

راهبرد حقوقی جمهوری اسلامی ایران در زمینه‌ی نظام بین‌المللی حقوق بشر^۱

دکتر جمشید شریفیان^۲

مقدمه

انسان‌ها با توجه به تمایلات گوناگون و نیازهای مشترک و رهایی از آسیب‌پذیری و بلایا و نیز وحدت معنوی در اشکال مختلف گرد هم آمده و اجتماع‌هایی را تشکیل داده‌اند. زیست مشترک و توأم با صلح و امنیت و آرامش، هدف نهایی این اجتماع‌هاست. لذا هر اجتماعی ضرورتاً باید از مقررات و هنجارهایی برخوردار شود که حافظ ارزش‌ها و منافع عمومی باشد، یعنی قواعد و مقررات حقوقی که نقش و کارکرد عوامل مختلف اجتماع را تعیین کرده و آزادی فردی و اجتماع‌پذیری و روحیه‌ی جمعی انسان‌ها را سازش بخشیده و هماهنگ می‌نماید.^(۱) بنابراین نظم، امنیت و آرامش که از جمله حقوق اساسی بشر بوده، مستلزم وجود نظام و سازوکارهایی است که به این ضرورت ذاتی نظم بخشیده و آنرا محقق ساخته تا در اثر عوامل مخل، هرج و مرج پدید نیاید. امری که لاجرم به لزوم وجود نهادها، ارکان و کارگزاری‌ها، یعنی حکومت ختم می‌شود.^(۲)

در سطح بین‌الملل نیز از یکسو تحولات و ظهور مفاهیم ارزشی در پرتو اندیشه‌های

۱. این مقاله بخشی از طرح پژوهشی نگارنده با دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه است.

۲. جمشید شریفیان، محقق دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی است.

بشردوستانه و نوع دوستانه‌ی برگرفته از وجدان جمعی، تجارت و تاریخ گرانبار ولی ناخوش آیند آدمی و از سوی دیگر آثار وضعی ترقیات علوم، فنون، صنایع پیشرفته و فن‌آوری ارتباطات را تسهیل نموده و توقعات مشترکی بین مردم سراسر جهان پدید آورده‌است. از این منظر واقعیت‌های حاکم بر نظام بین‌المللی، نوعی خاص از روابط و همبستگی متقابل بازیگران واحدهای سیاسی را افاده می‌کند و تداعی‌گر نوعی سرنوشت مشترک است. چراکه در عمل، در اثر بین‌المللی شدن روابط در ابعاد مختلف مانند افزایش ارتباطات بین‌المللی و وابستگی متقابل کشورها، سرنوشت یک کشور با سیاست‌ها و نظام بین‌المللی پیوند داده شده و در این گستره، صلح و عدالت نه تنها دو آرزوی بزرگ، بلکه دو احتیاج و نیاز اساسی بشر تلقی می‌شود، به طوری که از نظر حقوقدانان شرط لازم برای تحقق صلح و عدالت جهانی، رعایت حقوق بشر است.^(۳)

نظام بین‌المللی حقوق بشر

حقوق بین‌الملل سنتی، نظریه‌ها و نهادهایی را در جهت حمایت از حقوق گروه‌های مختلف انسانی چون بردگان، برخی جمعیت‌های بومی، اتباع خارجی، قربانیان تجاوزهای دسته جمعی، جنگجویان و دیپلمات‌ها و غیره مطرح و ایجاد کرد. این مقررات و رویه‌های عملی، مبانی فکری و کاربرد توسعه، «نظام حقوق بشر بین‌المللی»^۱ امروزی را پی‌ریزی کرد. با تأسیس جامعه‌ی ملل، معاهدات حقوق بشر برای نظام قیومت کشورها، حقوق کارگران، حمایت از اقلیت‌ها و پناهندگان با الهام از میثاق، تدوین شد.^(۴)

بعد از جنگ جهانی دوم، منشور ملل متحد با پیوند دادن صلح و امنیت بین‌المللی با رعایت حقوق بشر، در موارد مختلف از کشورها خواست که برای پیشبرد حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، بدون تبعیض همکاری نمایند و وظیفه‌ی ارتقای حقوق بشر را به‌وسیله‌ی تدوین کنوانسیون‌های مختلف برعهده‌ی مجمع عمومی و شورای اقتصادی و اجتماعی به‌ویژه کمیسیون حقوق بشر گذاشت.^(۵) منشور سازمان ملل متحد به حقوق بشر وجهه‌ی بین‌المللی داد. به عبارت دیگر، دولت‌ها با الحاق به منشور که یک معاهده‌ی چند جانبه است این معنی را به رسمیت شناختند که حقوق بشر مذکور در منشور، یک موضوع مورد توجه بین‌المللی است و

1. International Human Right's Law.

این معنا دیگر به طور کامل در صلاحیت داخلی دولت‌ها نیست.^(۶)

به طور کلی سازمان ملل متحد از یک طرف با طرح و تصویب قطعنامه‌ها و کنوانسیون‌های حقوق بشری و ترغیب دولت‌ها به امضا و تصویب آنها و بالتبع از طریق الزام قراردادی، کشورها را متعهد به اجرای موازین حقوق بشر می‌نماید تا در مراجع بین‌المللی پاسخگوی میزان عمل به این تعهد قراردادی خود باشند و از طرف دیگر با تشکیل کنفرانس‌های بین‌المللی و صدور اعلامیه‌ها، برخی مفاهیم و موازین حقوق بشری را به عنوان عرف حقوقی بین‌المللی مطرح نمود تا تخلف و تجاوز از آنها نقض موازین بین‌المللی محسوب گردد و خود این امر، نوعی تضمین بر رعایت آنها از سوی دولت باشد.^(۷) بنابراین سازمان ملل متحد در پنجاه سال گذشته با عبور از پنج مرحله‌ی استقرار (۴۸-۱۹۴۵)، پیشرفت (۶۶-۱۹۴۹)، اجرا (۹۳-۱۹۶۷)، گسترش (۹۵-۱۹۹۴) و ضمانت اجرایی حقوق بشر (...-۱۹۹۶)، نظام بین‌المللی حقوق بشر را تحکیم بخشیده است.^(۸)

در حال حاضر نظام بین‌المللی حقوق بشر یعنی نظام حقوقی که از افراد و گروه‌ها در برابر تجاوز دولت‌ها نسبت به حقوق و آزادی‌های اساسی شناخته شده‌ی بین‌المللی آنها بر اساس معاهدات و عرف بین‌المللی حمایت می‌کند تا حد زیادی از سابقه‌ی تاریخی‌اش متفاوت است. زیرا امروزه افراد از لحاظ بین‌المللی، به عنوان افراد نه به عنوان اتباع یک دولت، حقوقشان مورد حمایت و تضمین قرار می‌گیرد. هم اکنون نهادهای بین‌المللی متعددی وجود دارند که از افراد در مقابل نقض حقوق آنها به وسیله‌ی دولت‌های متبوعشان یا دولت‌های دیگر حمایت می‌کنند. به طوری که مسأله‌ی حقوق بشر را بیش از حد انتظار بین‌المللی نموده و دولت‌ها و سازمان‌های بین‌دولتی و غیردولتی را درگیر کرده است. اکنون افراد بشری این باور را پیدا کرده‌اند که دولت‌های دیگر و جامعه‌ی بین‌المللی متعهدند از حقوق آنها حمایت کنند. به عبارت دیگر، یک انقلاب حقوق بشری رو به پیشرفت است.^(۹)

نظام بین‌المللی حقوق بشر، به لحاظ سیاسی و حقوقی، از یک طرف حاکمیت دولت‌ها را به وسیله‌ی مجموعه‌ی از معاهدات چندجانبه محدود کرده است.^(۱۰) پطروس غالی، دبیر کل سابق ملل متحد در گزارش ۳۱ ژانویه ۱۹۹۲ به شورای امنیت می‌نویسد: 'احترام به حاکمیت ... برای هر گونه پیشرفت مشترک بین‌المللی امری حیاتی است، ولی زمان حاکمیت مطلق و

انحصاری سپری شده‌است و تئوری آن هیچ‌گاه با واقعیت منطبق نبوده است.^(۱۱) از طرف دیگر، این نظام، اصل عدم مداخله در امور داخلی دولت‌ها را بر خلاف بند ۷ ماده‌ی ۲ منشور تعدیل کرده‌است.

در همین راستا خاویر پرز دوکوئیار، دبیر کل اسبق ملل متحد اشاره می‌کند: «... اصل عدم مداخله در امور داخلی دولت‌ها نمی‌تواند به عنوان مانعی باشد که در پشت آن دولت‌ها مبادرت به نقض گسترده و سیستماتیک حقوق بشر نمایند...».^(۱۲)

فلسفه‌ی نظام بین‌المللی حقوق بشر مبتنی بر اجماع بین‌المللی در زمینه‌ی کرامت و حیثیت ذاتی انسان و حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است و کشورها موظف هستند بر اساس عرف بین‌المللی^۱ شامل تعهدات بین‌المللی دولت‌ها در مقابل جامعه‌ی بین‌المللی^۲ (مانند منع کشتار دسته‌جمعی) و قواعد آمره^۳ (مانند اصل وفای به عهد) موازین بین‌المللی حقوق بشر را رعایت نمایند^(۱۳). کوفی عنان دبیر کل ملل متحد در سخنرانی خود به مناسبت پنجاهمین سالگرد اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر می‌گوید: «... این جهان شمول بودن حقوق بشر است که به آن اقتدار می‌دهد. حقوق بشر، جهانی است نه فقط به خاطر داشتن ریشه در همه‌ی فرهنگ‌ها بلکه توسط همه‌ی کشورهای عضو ملل متحد تأیید شده است».^(۱۴)

موانع بین‌المللی شدن حقوق بشر

در شرایط کنونی حاکم بر جهان، نظام بین‌المللی حقوق بشر به عنوان یکی از مهم‌ترین مسایل فراروی جوامع بشری قلمداد می‌شود. بسیاری از کشورها، به ویژه کشورهای غربی، رعایت حقوق بشر را عامل مهمی در شناسایی و مشروعیت دولت‌ها و پیش‌شرط سیاسی و حقوقی برقراری مراودات و معاهدات بین‌المللی مختلف تلقی می‌کنند و در بعضی از موارد با انتقاد از وضعیت حقوق بشر در بعضی از کشورهای جهان سوم، برای رسیدن به اهداف خاص خود، از موضوع حقوق بشر به عنوان ابزار سیاسی، گزینشی و تبلیغاتی بدون توجه به ارزش‌های فرهنگی آن کشورها استفاده می‌کنند^(۱۵) و حق شرط در معاهدات بین‌المللی و اختیاری کردن

1. International Custom.
2. Erga Omens Obligations.
3. Jus Cogens.

کنترل بین‌المللی را از موانع جهانی شدن حقوق بشر می‌دانند. در مقابل، کشورهای جهان سوم نیز با تأکید بر این‌که آنها نقش چندانی در تدوین منشور بین‌المللی حقوق بشر نداشته‌اند بر حقوق اقتصادی و فرهنگی به عنوان پیش فرض‌های تحقق حقوق سیاسی و مدنی تأکید داشته و ضمن قبول جهانی شدن مفاهیم حقوق بشر، خواستار تطبیق آن با فرهنگ‌های دینی، بومی و منطقه‌یی هستند.^(۱۶)

تعارض بین تعهدات بین‌المللی حقوق بشر و قوانین موضوعه‌ی جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران از یک طرف به عنوان یکی از دولت‌های جامعه‌ی بین‌المللی و عضو سازمان‌های بین‌المللی به ویژه سازمان ملل متحد مورد چالش نظام بین‌المللی حقوق بشر است. این کشور با وجود تغییر نظام سیاسی، بر اساس اصل دوام دولت‌ها از لحاظ بین‌المللی ادامه دهنده‌ی شخصیت حقوقی دولت ایران است که در رژیم گذشته با تصویب بدون قید و شرط بسیاری از کنوانسیون‌های بین‌المللی حقوق بشر به خصوص منشور بین‌المللی حقوق بشر، (اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) خود را نسبت به موازین آنها متعهد نموده و می‌بایست قوانین داخلی خود را بر اساس آنها تنظیم و هماهنگ کند و از اقدام‌ها و پیشرفت‌های حقوق بشری خود به نهادهای بین‌المللی حقوق بشر مانند کمیته‌ی حقوق بشر، کمیته‌ی حقوق اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و کمیسیون حقوق بشر گزارش دهد. علاوه بر این نهادهای مربوط مستمراً وضعیت حقوق بشر ایران را به‌ویژه بعد از انقلاب اسلامی مورد نظارت و کنترل قرار داده‌اند و از سال ۱۹۸۱ با بررسی وضعیت حقوق بشر در ایران و تعیین نماینده‌ی ویژه به طور مرتب قطعنامه‌هایی را در محکومیت ایران صادر کرده‌اند.

از سویی دیگر نظام جمهوری اسلامی ایران با رأی ۹۸/۲ درصد اکثریت قریب به اتفاق ملت ایران، استقرار یافته و حکومتی را بر اساس موازین اسلامی تشکیل داده است و اصل چهار قانونی اساسی دولت را مکلف می‌نماید که کلیه‌ی قوانین خود را بر اساس و در انطباق با موازین اسلامی تصویب و اجرا نماید.

مشکل از آنجا ناشی می‌شود که بین برخی از مقررات نظام بین‌المللی حقوق بشر و

قوانین موضوعه‌ی جمهوری اسلامی ایران، تفاوت و مغایرتی وجود دارد که عامل اصلی محکومیت ایران در مجمع عمومی و کمیسیون حقوق بشر - از بعد حقوقی صرف نظر از ابعاد سیاسی - می باشد. اکنون چگونه می توان این تعارض و مغایرت را حل و ضمن همکاری با نهادهای حقوق بشری سازمان ملل متحد، تعهد و الزام مطلق دولت ایران را به منشور بین‌المللی حقوق بشر مقید و مشروط کرد. به عبارت دیگر راهبرد حقوقی جمهوری اسلامی ایران در زمینه‌ی منشور بین‌المللی حقوق بشر در سازمان ملل متحد چیست؟

بر اساس اسناد حقوق بشری منتشره از سوی مرکز حقوق بشر ملل متحد، در حال حاضر ۲۵ قرارداد بین‌المللی حقوق بشری وجود دارد که مهم‌ترین آنها، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶)، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۹۶۶)، کنوانسیون‌های محو هر نوع تبعیض، منع و مجازات کشتار دسته‌جمعی، منع آپارتاید، حقوق کودک، رفع هر گونه تبعیض علیه زنان و ... می‌باشد. جمهوری اسلامی ایران از کل کنوانسیون‌های بین‌المللی حقوق بشری فوق، ده کنوانسیون را امضا و تصویب نموده است و عضو آنها محسوب می شود بنابراین از ده کنوانسیون مورد تصویب، هفت کنوانسیون در زمان رژیم گذشته بدون قید و شرط و به طور مطلق که مهم‌ترین آنها میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است و سه کنوانسیون را در دوران جمهوری اسلامی که مهم‌ترین آنها کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک است تصویب کرده و نسبت به دو کنوانسیون یعنی کنوانسیون پناهندگان (۱۹۵۵) و کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۹۲) اعلام شرط نموده و با حق شرط و تحفظ^۱ پذیرفته است^(۱۷) مثلاً کنوانسیون حقوق کودک را با این شرط که هر یک از مواد و مقررات آن با مقررات اسلامی و قوانین داخلی مغایر بود به آن مستلزم نباشد و عمل نکند، تصویب کرده است.^(۱۸)

شایان ذکر است در مورد کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان و کنوانسیون منع شکنجه، رفتار و مجازات غیرانسانی، خشن و تحقیرکننده‌ی بحث‌های کارشناسی در کمیسیون‌های مجلس شورای اسلامی و هیأت دولت مطرح می‌باشد ولی تاکنون تصویب نشده است.

1. Reservation.

راه‌های حل تعارض

از اصول ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی و ماده‌ی ۹ قانون مدنی مشخص می‌شود نظام قانونگذاری جمهوری اسلامی ایران نسبت به معاهدات بین‌المللی، روش تبدیل براساس نظریه‌ی دوگانگی حقوق داخلی و حقوق بین‌المللی است.

بر طبق اصول فوق و اصل ۹۶ قانون اساسی، عهدنامه‌ها، متاوله‌نامه‌ها، قراردادها و موافقتنامه‌های بین‌المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد و در صورت اعلام عدم مغایرت آنها با احکام اسلام و قانون اساسی توسط شورای نگهبان، رییس جمهوری یا نماینده‌ی قانونی وی آنها را امضا می‌کند.

علاوه بر اصول فوق، ماده‌ی ۹ قانون مدنی اعلام می‌دارد: «مقررات عهدی که بر طبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول منعقد شده باشد در حکم قانون است».

نتیجه این که در ایران، معاهدات بین‌المللی طی یک جریان تبدیل باید به حقوق داخلی تبدیل شوند تا لازم‌الاجرا گردند. بنابراین برای کشورهایی مانند ایران تعهد بین‌المللی و تغییر در حقوق داخلی هم‌زمان صورت می‌گیرد. در صورتی که این تعهدات بین‌المللی با قواعد داخلی تعارض داشته باشند و تعهدات بین‌المللی نقض شوند، این امر موجب مسؤلیت بین‌المللی دولت خواهد بود.^(۱۹) طبیعی است که کنوانسیون‌های بین‌المللی حقوق بشر از قواعد فوق مستثنی نیستند و برای تبدیل شدن به قوانین داخلی باید روند فوق را طی کنند.

الف) نقض حقوق داخلی

آیا جمهوری اسلامی ایران می‌تواند برای حل این تعارض، استدلال کند که قانون اساسی بر قراردادهای بین‌المللی برتری دارد؟ زیرا نظر به این که از طرفی ماده‌ی ۹ حقوق مدنی، قراردادهای بین‌المللی را بعد از تصویب در حکم قوانین داخلی و عادی به شمار آورده و از طرف دیگر مقررات قانون اساسی برتر از قوانین عادی است. بنابراین مقررات قانون اساسی برتر از قراردادهای بین‌المللی است. در نتیجه چون تعارض بین یک قرارداد بین‌المللی حقوق بشری و اصل دوم متمم قانون اساسی مشروطیت که می‌گوید کلیه‌ی مقررات و مصوبات مجلس باید بر اساس موازین اسلامی باشد، پدید آمده‌است؛ پس مقررات قانون اساسی اولویت داشته و تا حدود

تعارض، قرارداد بین‌المللی را بی‌اثر می‌گذارند. بنابراین جمهوری اسلامی ایران تعهدی در مقابل عمل خلاف قانون رژیم گذشته ندارد که موارد خلاف موازین اسلامی میثاقین حقوق بشر را اجرا نمایند و یا این که جمهوری اسلامی ایران بر طبق همان ماده‌ی ۹ حقوق مدنی می‌تواند استدلال کند چون قراردادهای بین‌المللی و قوانین داخلی ارزش مساوی دارد، پس کلیه‌ی اصولی که بر روابط قوانین عادی حکمفرماست در روابط بین قراردادهای و قوانین نیز معتبر است. بنابراین در موردی که بین قرارداد بین‌المللی و قانون عادی تعارض پدید آید، قانون عادی خاص لاحق، قانون خاص سابق (قرارداد بین‌المللی) را نقض می‌کند لذا تصویب قوانین عادی بر اساس موازین اسلامی بعد از تصویب میثاقین، چه در زمان رژیم گذشته و چه در نظام جمهوری اسلامی^(۲۰) ناقض اصولی از میثاقین می‌باشد و ایران تعهد و مسؤولیتی در برابر آن اصول ندارد. اما در مقابل، کنوانسیون معاهدات وین (۱۹۶۹) که ایران نیز آن را امضا و تصویب کرده بر این نظر است که کشورها نمی‌توانند با استناد به مقررات داخلی خود مدعی بطلان معاهده شوند، مگر در مواردی که ماده‌ی ۴۶ عهدنامه‌ی مزبور، استثنا کرده‌است: «یک کشور نمی‌تواند با تکیه بر این واقعیت که اعلان رضایت وی به التزام در قبال یک معاهده تجاوزی نسبت به مقررات حقوق داخلی وی در خصوص صلاحیت انعقاد معاهده بوده‌است، به بی‌اعتباری رضایت خود استناد کند مگر آن که تجاوز مزبور بارز باشد و به قاعده‌یی از حقوق داخلی مربوط شود که دارای اهمیت اساسی است...»^(۲۱)

حال اگر چه تصویب بدون قید و شرط میثاقین بین‌المللی حقوق بشر، تجاوزی بارز به قانون اساسی رژیم گذشته است اما از نظر حقوق بین‌الملل و رویه‌ی عملی (پراتیک) کشورها، برابری قراردادهای بین‌المللی و قوانین داخلی ایران قابل توجیه نیست. یعنی هر قانونی از تصویب مقام‌های مقننه‌ی کشور بگذرد که به نحوی ناقض یک قرارداد بین‌المللی قبلی باشد، در این صورت موجب مسؤولیت بین‌المللی دولت ایران می‌گردد^(۲۲). علاوه بر آن همان زمانی که دولت ایران، یک قرارداد بین‌المللی را به تصویب قوه‌ی مقننه رسانده‌است، قوه‌ی مجریه مکلف است لوایح قانونی لازم را برای انطباق حقوق داخلی با تعهدات بین‌المللی به مجلس تسلیم کند و چنانچه مقررات بین‌المللی در موارد منجز نقض شود، متضمن مسؤولیت بین‌المللی خواهد بود.^(۲۳)

ب) تغییر بنیادین اوضاع و احوال^۱

تغییر اساسی در اوضاع و احوال به این معنی است که تغییرات بنیادی در واقعیات و شرایط موجود حین انعقاد قرارداد می‌تواند موجب خاتمه‌ی معاهده گردد.^(۲۴) به نظر می‌رسد نظام جمهوری اسلامی که بعد از انقلاب اسلامی استقرار یافت و قانون اساسی خود را مبتنی بر اصول و احکام اسلامی در سال ۱۳۵۸ تدوین نمود، می‌توانست طی اعلامیه‌یی به سازمان ملل و دیگر کشورهای عضو میثاق‌های بین‌المللی حقوق بشری، وقوع انقلاب اسلامی (تغییر بنیادی اوضاع و احوال) و آثار آن مانند تصویب قانون اساسی را به اطلاع آنها برساند و تغایر و تعارض بعضی از مواد میثاقین با قانون اساسی جمهوری اسلامی و قوانین و مقررات مدنی و جزایی کشور و به تبع آن عدم تعهد خود را به آنها بیان نماید. اما ایران نه تنها موضوع وقوع انقلاب اسلامی و آثار آن را مستدلاً و مستنداً به سازمان ملل و طرف‌های دیگر میثاق‌های بین‌المللی حقوق بشر اعلام نکرد، بلکه با رویه‌ی عملی مانند ارسال اولین گزارش دوره‌یی در سال ۱۳۶۱ به کمیته‌ی حقوق بشر ارگان ناظر میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، آن را تأیید و تعهدات خود را قبول نموده است.

ج) حق شرط^۲

طبق بند شش ماده‌ی ۲ عهدنامه‌ی حقوق معاهدات وین (۱۹۶۹)، حق شرط عبارت است از بیانیه‌ی یک جانبه‌یی که یک کشور تحت هر نام یا به هر عبارت در موقع امضا، تصویب، قبولی، تأیید یا الحاق به یک معاهده صادر می‌کند و به وسیله‌ی آن قصد خود را دایر بر عدم شمول یا تعدیل آثار حقوقی بعضی از مقررات معاهده نسبت به خود بیان می‌دارد. طبق ماده‌ی ۱۹ نباید حق شرط با هدف و منظور معاهده مغایرت داشته باشد و طبق ماده‌ی ۲۳، حق شرط باید کتباً تنظیم شود و به کشورهای متعاقد و سایر کشورهایی که حق پیوستن به آن معاهده را دارند ابلاغ گردد.^(۲۵)

در بسیاری از کنوانسیون‌های بین‌المللی حقوق بشری، اعلام حق شرط برای دولت‌ها به

1. Rebus Sic Stantibus.

2. Reservation.

هنگام تصویب یا الحاق، پیش‌بینی و مجاز دانسته و در برخی نیز این امر مسکوت گذاشته شده است مانند میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، به‌طوری‌که منعی هم برای حق شرط نشده‌است و در عمل بسیاری از دولت‌ها نسبت به برخی از مواد و مقرراتش اعلام حق شرط نموده‌اند. ولی پس از آن که کشوری مانند ایران بدون حق شرط به معاهده‌یی مانند میثاقین پیوست، تعهد و التزام آنها به طور مطلق قطعی شده و پس از آن مجوزی برای اعلام حق شرط وجود ندارد.

د) رد یا خروج از معاهده^۱

در بسیاری از کنوانسیون‌های حقوق بشری، امکان و نحوه‌ی خروج یک دولت عضو از یک کنوانسیون پیش‌بینی شده است. برخی هم در این خصوص سکوت اختیار کرده است مانند میثاقین بین‌المللی حقوق بشر که منع و جوازی نسبت به خروج اعضا مقرر نداشته‌اند.

ماده‌ی ۴۶ عهدنامه‌ی وین در این خصوص می‌گوید:

۱. معاهده‌یی که در آن مقررات مربوط به فسخ وجود ندارد و رد یا خروج از آن پیش‌بینی نشده‌است، قابل رد نیست و نمی‌توان از آن خارج شد مگر آن‌که:

الف. مسلم شود که طرف‌های معامله قصد داشته‌اند امکان رد یا خروج از آن را

بپذیرند.

ب. ماهیت معاهده به گونه‌یی باشد که بتوان حق رد یا خروج از آن را استنباط کرد.

۲. قصد رد معاهده یا خروج از آن طبق بند یک باید لااقل دوازده ماه پیش از رد یا خروج ابلاغ شود. در مورد امکان خروج از میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، تشخیص این معنا که قصد تدوین‌کنندگان آن جواز خروج بوده‌است یا طبیعت و ماهیت آن به گونه‌یی است که می‌توان حق خروج از آن استنباط کرد، دشوار است. ولی در عین حال با توجه به این‌که در بسیاری از اسناد حقوق بشری چون کنوانسیون منع و مجازات کشتار دسته‌جمعی و کنوانسیون ضد شکنجه و کنوانسیون رفع تبعیض نژادی، امکان رد و خروج از آنها

1. Denuncian.

پیش‌بینی شده و در خود میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی هم برای دولت‌های عضو، حق تعلیق و خودداری از اجرای آن در برخی موارد مانند خطر عمومی فوق‌العاده تحت عنوان حق انحراف تجویز شده است (ماده‌ی ۴ میثاق)، بعید نیست که بتوان جواز خروج از آن را از نظر تدوین‌کنندگان آن استنباط کرد.

بنابراین شاید چنین راه‌حلی به‌نظر برسد که جمهوری اسلامی ایران خروج از میثاقین را اعلام نماید و از تعهدات دولت نسبت به آن‌ها یابی یابد و آنگاه با اعلام حق شرط‌های مناسب مجدداً به آن ملحق شود. اما به احتمال زیاد اعلام خروج که طبق بند ۲ ماده‌ی ۵۶ عهدنامه‌ی وین یک سال پس از زمان تسلیم به دبیر کل، مؤثر و قابل اجرا می‌گردد، با توجه به جو نامناسب ایجاد شده علیه جمهوری اسلامی ایران و تنش‌هایی که طبعاً به وجود خواهد آمد و تبلیغاتی که به راه خواهد افتاد تا چهره‌ی نظام جمهوری اسلامی ایران را ضدنظام بین‌المللی حقوق بشر جلوه دهند، مناسب نمی‌باشد. (۲۶)

راهبرد پیشنهادی (اعلام مشترکات ورد یا خروج جزئی از تعارض‌ها)

اگر در صورت سکوت یک معاهده بتوان جواز خروج از آن را استنباط کرد و در نتیجه با دادن یک یادداشت قبلی به‌طور کلی از آن خارج شد و از تعهدات مربوط به آن‌ها خالی کرد، آیا نمی‌توان نسبت به قسمتی از آن اعلام رد یا خروج و سلب تعهد کرد؟ شاید بتوان گفت اگر خروج از برخی مقررات کنوانسیون به‌گونه‌ی نباشد که با اصل بقای عضویت و متعهد بودن به کنوانسیون و با اساس و اهداف اصلی آن در تضاد باشد، چنین خروجی اشکال ندارد و در واقع حکم و خاصیت اثر اعلام شرط بعد از تصویب بی‌قید و شرط آن را دارد. دست کم در صورتی که سایر دولت‌های عضو موافق باشند و یا مخالفت نکنند، این امر امکان‌پذیر است.

بنابراین راهبرد حقوقی جمهوری اسلامی ایران در زمینه‌ی منشور بین‌المللی حقوق بشر در سازمان ملل متحد چنین است که ایران باید در مرحله‌ی اول مشترکات قوانین موضوعه‌ی جمهوری اسلامی ایران و منشور بین‌المللی حقوق بشر به‌ویژه میثاق بین‌المللی حقوق مدنی، سیاسی و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را مشخص کند و هرچه بیشتر،

تعهد نظری و عملی خود را به آنها نشان دهد و در مرحله‌ی دوم تعارض‌های قوانین موضوعه‌ی جمهوری اسلامی با منشور بین‌المللی حقوق بشر را که به هیچ وجه قابل جمع نیستند به طور دقیق و قطعی معین نماید. به عبارتی دیگر یک مقایسه‌ی دقیق برای استخراج اشتراک‌ها و تعارض‌ها انجام دهد. در مرحله‌ی سوم، طی یادداشتی تحلیلی از سوی جمهوری اسلامی ایران به دبیر کل سازمان ملل متحد اطلاع دهد که ایران با توجه به وقوع انقلاب اسلامی و تغییر نظام حکومتی به جمهوری اسلامی و تصویب قانون اساسی توسط ملت و قوانین موضوعه به‌وسیله‌ی مجلس شورای اسلامی که ماهیتاً و واقعاً به منزله‌ی اعلام شرط و تحفظ است، عدم تعهد یا خروج جزئی خود را از آن مواد متعارض بین منشور بین‌المللی حقوق بشر با قوانین موضوعه‌ی خود اعلام می‌دارد.

تبعاً دبیرکل، این اعلام را به اطلاع سایر دولت‌های عضو منشور بین‌المللی حقوق بشر می‌رساند. در صورتی‌که دولت‌های عضو با این نوع خروج جزئی که با اساس و هدف‌های اصلی منشور بین‌المللی حقوق بشر مغایر نمی‌باشد، موافقت کردند و یا مخالفتی با آن نمودند در نتیجه التزام دولت جمهوری اسلامی ایران نسبت به منشور بین‌المللی حقوق بشر به ویژه میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، به‌طور مشروط به رسمیت شناخته می‌شود. بند ۵ ماده‌ی ۲۰ کنوانسیون حقوق معاهدات وین (۱۹۶۹) مقرر می‌دارد: «سکوت اطراف یک معاهده نسبت به شروط یک کشور شرط کننده پس از گذشت ۱۲ ماه به منزله‌ی قابل قبول بودن آن شروط خواهد بود.» حتی اگر کشورهای عضو با اعلام خروج جزئی ایران مخالفت کردند حداقل با وجود اطلاع آنها از شرایط و شروط ایران، از شدت قطعنامه‌های محکومیت ایران در مجمع عمومی یا کمیسیون حقوق بشر توسط شوراهای عضو کاسته می‌شود و حتی ممکن است با دیپلماسی فعال به حذف نظارت بر وضعیت حقوق بشر ایران توسط کمیسیون حقوق بشر منتهی شود. در هر صورت طرح رسمی آن در سازمان ملل متحد باب بحث جدیدی را باز می‌کند و ممکن است فرمول کامل‌تر یا قابل قبول‌تری هم برای آن پیدا شود.

اشتراکات حقوق بشری بین قوانین موضوعه‌ی ایران و منشور بین‌المللی حقوق بشر

الف) اشتراک در منبع

حقوق‌دانان منبع حقوق را اموری می‌دانند که قواعد حقوقی از آنها نشأت می‌گیرد یا استخراج، استنباط و انشقاق می‌شود. به طور کلی معمولاً منبع پیدایش حقوق را در مکتب‌های مادی و الهی از هم جدا می‌کنند.

حقوق‌دان‌هایی که برای حقوق، منبع الهی قائل نیستند منشأ پیدایش حقوق را وجدان و عقل آدمی می‌شمارند که خوبی و بدی را در قلمرو فردی و اجتماعی تمیز می‌دهد. این در حالی است که علاوه بر وحی الهی، یکی از منابع چهارگانه‌ی حقوق اسلامی، عقل است که می‌تواند کاشف احکام شرعی باشد و قاعده‌ی معروف ملازمه‌ی بین حکم عقل و شرع^(۲۷) مبین همین معنی است^(۲۸) و مراد از مستقلات عقلی در حقوق امامیه اموری است که عقل سلیم انسان به‌طور مستقل به آن حکم می‌کند. اینها همان حقوق طبیعی به‌شمار می‌روند. مثل لزوم وفای به عهد، ادای قرض و امانت، حرمت ظلم، نیکویی صلح، لزوم رعایت مالکیت و ...^(۲۹)

ب) اشتراک در مبانی

مبنا یا مبانی حقوق، اموری است که قاعده‌ی حقوقی را الزام‌آور می‌کند و به آن مشروعیت می‌بخشد. یکی از مبانی نظام بین‌المللی حقوق بشر که در جریان تدوین اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر مطرح شد این بود که خانواده‌ی بشر یک کل واحد است که در سود و زیان با هم شریکند. این دیدگاه نه تنها هیچ‌گونه تفاوتی با دیدگاه دینی ندارد بلکه حتی می‌توان گفت مستقیم یا غیرمستقیم برخاسته از آن است^(۳۰). زیرا خطاب‌های عام قرآن کریم که با تعبیرات یا بنی آدم، یا ایها الناس یا ایها الانسان و نظایر آن آمده‌است نشانگر آن است که در بینش قرآنی مجموعه‌ی انسان‌ها یک واحدند.^(۳۱)

مبنای دیگر نظام بین‌المللی حقوق بشر کرامت و حیثیت ذاتی انسان است. به طوری که در مقدمه‌ی اعلامیه‌ی حقوق بشر از شناسایی حیثیت ذاتی کلیه‌ی اعضای خانواده‌ی بشری و نیز از کرامت و ارزش فرد انسانی سخن رفته‌است.

از دیدگاه اسلام نیز انسان موجودی ارزشمند است که باید به دیده‌ی احترام به او

نگریست. قرآن کریم، انسان را خلیفه‌ی خداوند در زمین و قابل سجده‌ی فرشتگان معرفی می‌کند و بر کرامت و بزرگداشت ذاتی و حیثیت او تصریح می‌نماید.^(۳۲)

از مبناهای مشترک نظام حقوق بشر بین‌المللی و نظام حقوق اسلامی مسأله‌ی حقوق فردی و حقوق اجتماعی انسان‌هاست. در مقام تضاد منافع فرد و جامعه چه در حقوق غربی و چه در حقوق اسلامی، منافع جامعه مقدم است و ابزارها و نهادهایی را به‌طور متقابل برای جلوگیری از تضییع حقوق فرد و جامعه پیش‌بینی کرده‌است.^(۳۳) بند ۲ ماده‌ی ۲۹ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر می‌گوید: «هر کس در اجرای حقوق و تمتع آزادی‌هایش، فقط تابع محدودیت‌هایی است که قانون منحصرأ به‌منظور تأمین حقوق و آزادی‌های دیگران و نیز به‌منظور برآوردن نیازها و خواست‌های درست اخلاقی، نظم و رفاه عمومی در جامعه‌ی دموکراتیک وضع کرده‌است». اسلام نه تنها بی‌توجهی به اخلاق و ترویج لایابالگیری اخلاقی را با کرامت ذاتی انسان منافی می‌داند بلکه در جهت حفظ حقوق انسانی به‌طریق منطقی مانع آن می‌شود.^(۳۴)

یکی دیگر از مهم‌ترین مبناهای حقوق بشر غربی و حقوق بشر اسلامی عدالت است. در مقدمه‌ی اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر آمده‌است: «اساساً حقوق انسانی را باید با اجرای قانون حمایت کرد تا بشر به‌عنوان آخرین علاج به قیام بر ضد ظلم و فشار مجبور نگردد» و در مواد اعلامیه، مصادیق حقوقی عدالت مثل منع بردگی، منع شکنجه، اصل برائت، تساوی افراد در برابر قانون ذکر شده‌است. قرآن کریم ضمن تأکید بر عدالت اجتماعی، در آیات گوناگون مردم مؤمن را به قیام براساس قسط و عدل دعوت می‌کند. از آنها می‌خواهد زمانی که سخن می‌گویند عدالت را رعایت کنند حتی اگر به ضرر خویشان‌شان باشد. به آنان دستور می‌دهد که دشمنی با قومی نباید موجب شود که عدالت نورزند و هدف از ارسال پیامبران را قیام مردم به قسط و عدل اعلام می‌کند.^(۳۵)

ج) اشتراک در مواد قانونی

ذکر این نکته ضروری است که در اینجا، مواد قانونی مشترک در قوانین موضوعه‌ی جمهوری اسلامی ایران و منشور بین‌المللی حقوق بشر را مشخص می‌نماییم. زیرا اولاً این قوانین ضمانت اجرا دارند. ثانیاً همه‌ی مقررات و فقه اسلامی موجود در منابع معتبر به‌صورت

قانون موضوعه در نیامده است. ثالثاً نه تنها بعضی از احکام فقهی مذاهب پنجگانه ی اسلامی با یکدیگر اختلاف دارند بلکه در فقه جعفری نیز بعضی نظریه ها و فتواهای علما با یکدیگر متفاوت می باشد که بالتبع این اختلاف شامل قوانین حقوق بشر نیز می شود.

۱. کرامت انسانی

باور داشتن به ارزش و اعتبار و حیثیت انسانی شرط اولیه برای شناسایی حقوق و آزادی های اساسی انسانی قطع نظر از تعلقات و هرگونه جنبه های عارضی است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ایمان به کرامت و ارزش انسانی را جزو مبانی اصلی نظام و در ردیف اعتقاد به توحید و وحی و معاد به شمار می آورد.^(۳۶) مقدمه ی اعلامیه ی جهانی حقوق بشر، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز شناسایی حیثیت ذاتی و حقوق یکسان و غیر قابل انتقال کلیه ی اعضای خانواده ی بشری را مبنای آزادی، عدالت و صلح در جهان می داند.

۲. حق حیات

از آنجا که حقوق بشر منوط به زنده بودن ابنای بشر است، حق زندگی بر حقوق دیگر اولویت دارد چون بدون زندگی، بقیه ی حقوق ارزش یا کاربردی ندارد. در اعلامیه ی جهانی حقوق بشر حق حیات همراه با حق آزادی و امنیت شخصی در ماده ی ۳ ذکر شده است و در بند ۱ ماده ی ۶ در میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، این حق جزء حقوق ذاتی مشخص انسانی است که باید به موجب قانون حمایت شود. اگر چه اصل مستقلی در قانون اساسی به حق حیات اختصاص ندارد اما در محتوای اصول دیگر و همراه با حقوق دیگر در اصل ۲۴ ذکر شده است: «حیثیت، جان، مال، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند».

۳. حقوق مدنی و آزادی های سیاسی

۱-۳ تساوی

قانون اساسی در اصول مختلف و به‌ویژه در فصل سوم تحت عنوان حقوق ملت، تعداد زیادی از حقوق و آزادی‌های اساسی را برشمرده و لزوم رعایت آنها را متذکر شده‌است. این اصول به تساوی عموم افراد ملت در برابر قانون، تساوی در مقابل دادگاه‌ها، تساوی در بهره‌گیری از امکانات، تساوی در پرداخت مالیات، تساوی از لحاظ خدمت و وظیفه و تساوی از لحاظ اشتغال به مشاغل دولتی و رفع تبعیض تصریح کرده‌است.^(۳۷) از جمله اصل ۲۰ می‌گوید: «همه‌ی افراد ملت اعم از زن و مرد، یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه‌ی حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند».

در مواد مختلف منشور بین‌المللی حقوق بشر نیز به اصل تساوی افراد در وضعیت‌های گوناگون اشاره شده‌است.^(۳۸) به طوری که ماده‌ی ۷ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر اعلام می‌دارد: «همه در مقابل قانون مساوی هستند و حق دارند بدون تبعیض و به‌طور مساوی از حمایت قانون برخوردار شوند».

به هر صورت در قوانین موضوعه‌ی ایران اصل عدم تبعیض بر مبنای جنسیت پذیرفته شده‌است هر چند در تشخیص مصادیق اختلاف وجود دارد. بعضی از مصادیق تساوی زن و مرد که با محتوای مقررات منشور بین‌المللی حقوق بشر مشترک است می‌توان به تساوی در نکاح، استقلال مرد و زن در دارایی، تساوی در اهلیت قانونی، تساوی در مزد و تسهیلات شغلی، تساوی در دسترسی به امور آموزشی و فرهنگی و تساوی مشارکت در امور سیاسی اشاره کرد.^(۳۹)

۲-۳ آزادی

در قانون اساسی به مسأله‌ی آزادی افراد در همه‌ی ابعاد آن، توجه شده‌است. به طوری که دراصل دوم، نظام جمهوری اسلامی بر پایه‌ی ایمان به اصول پنجگانه‌ی دین، کرامت، ارزش والای انسانی و آزادی توأم با مسؤولیت در برابر خدا اعلام شده‌است. قانون اساسی یکی از وظایف قوه‌ی قضاییه را احیای آزادی‌های مشروع ذکر و دولت را به تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون، موظف می‌کند و امر به معروف و نهی از منکر را نه تنها حق مردم، بلکه تکلیف آنها می‌داند و اصل آزادی و استقلال را تفکیک‌ناپذیر اعلام می‌نماید.^(۴۰)

آزادی دارای جنبه‌های گوناگونی از جمله آزادی عقیده است. بر طبق اصل ۲۳ قانون

اساسی، تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ‌کس را نمی‌توان به‌صرف داشتن عقیده مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد.

در زمینه آزادی عقیده و مذهب، اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر در ماده‌ی ۱۸ می‌گوید: «هر کس حق دارد که از آزادی فکر، وجدان و مذهب، بهره‌مند شود.» همین مضمون به‌طور مفصل در مواد ۱۸ و ۱۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی ذکر شده‌است.

آزادی بیان، جنبه‌ی دیگری از آزادی است. اصول قانون اساسی بر آزادی نشریات و مطبوعات در بیان مطالب تأکید دارد و اعلام می‌کند که در صدا و سیما، آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور باید تأمین گردد.^(۴۱)

علاوه بر آن قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ و اصلاحیه‌ی سال ۱۳۷۹، حقوق و حدود آزادی قلم و مطبوعات را بیان داشته‌است.^(۴۲)

آزادی بیان به‌طور مفصل در ماده‌ی ۱۸ میثاق حقوق مدنی و سیاسی و ماده‌ی ۱۹ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر آمده‌است. در بند ۲ ماده‌ی ۱۹ میثاق گفته شده‌است: «هر کس حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی تفحص، تحصیل و انتشار اطلاعات و افکار از هر قبیل بدون توجه به مرزها، چه شفاهاً چه به صورت نوشته یا چاپ یا به صورت هنری یا به هر وسیله‌ی دیگر به انتخاب خود می‌باشد.»

از دیگر مفاهیم مهم آزادی، آزادی احزاب و تشکل‌های سیاسی، اجتماعی، صنفی و برگزاری اجتماعات است. در اصول ۲۶ و ۲۷ قانون اساسی از یکسو به آزاد بودن تشکیل هر نوع حزب و جمعیتی مشروط به عدم نقض اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی و موازین اسلامی اشاره می‌کند و از سوی دیگر آزاد بودن همه‌ی افراد را به شرکت در این نوع جمعیت‌ها و یا خودداری از شرکت در آنها را مورد تأکید قرار می‌دهد و تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها را بدون حمل سلاح به شرط عدم خلل به مبانی اسلام آزاد می‌شمارد.

در اجرای اصول فوق، قانون فعالیت احزاب و جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی و صنفی در سال ۱۳۶۰ از تصویب مجلس شورای اسلامی گذشت.

مفاهیم فوق را به بیانی دیگر در ماده‌ی ۲۰ و بند ۴ ماده‌ی ۲۳ و ماده‌ی ۲۷ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر می‌بینیم و در بند ۱ ماده‌ی ۲۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز چنین

آمده است: «هر کس حق اجتماع آزادانه با دیگران و از جمله تشکیل سندیکا و الحاق به آن برای حمایت از منافع خود را دارد».

لازم به ذکر است که برخی اصول قانون اساسی و قوانین عادی و اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، احکام و مقرراتی است که نوعی تضمین عملی حفظ آزادی‌هاست. مانند ممنوعیت نرساندن نامه‌ها و استراق سمع و هر گونه تجسس و منع توقیف غیرقانونی.^(۴۳)

۳-۳- حق تابعیت

حق تابعیت، تغییر آن و تقاضای تابعیت توسط اتباع بیگانه در قانون اساسی و قانون مدنی و اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی و بین‌المللی پذیرفته شده است.^(۴۴) به طوری که اصل ۴۱ قانون اساسی می‌گوید: «تابعیت کشور ایران حق مسلم هر فرد ایرانی است و دولت نمی‌تواند از هیچ ایرانی سلب تابعیت کند، مگر به درخواست خود و یا در صورتی که به تابعیت کشور دیگری درآید.» لازم به ذکر است دولت ایران عملاً تابعیت مضاعف را پذیرفته است.

۳-۴- اصل برائت

یکی از اصول مسلم حقوق بشری، اصل برائت است، یعنی اصل را بر بی‌گناهی افراد گذاشتن تا هنگامی که با دلایل و قرائن کافی جرم آنها ثابت شود. قانون اساسی، آیین دادرسی مدنی و اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در مواد مختلف بر آن تأکید کرده‌اند.^(۴۵)

۳-۵- ممنوعیت شکنجه

قانون اساسی و قوانین عادی به صراحت، شکنجه کردن افراد به منظور گرفتن اقرار و کسب اطلاع یا دادن شهادت و ادای سوگند را ممنوع و عامل آن را مستوجب مجازات دانسته است. هم‌چنین هتک حرمت و حیثیت بازداشت شدگان ممنوع و موجب مجازات است. همین مفاهیم

در اسناد بین‌المللی حقوق بشر تحت سه عنوان شکنجه، رفتار خشن و غیرانسانی و تحقیر کننده و مجازات خشن و غیرانسانی و تحقیر کننده ممنوع اعلام شده است.^(۴۶)

۶-۳- حق محاکمه‌ی عادلانه

قانون اساسی و قوانین عادی ایران، موازین و مفاهیمی که در اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی آمده حقوق مختلفی را برای مردم در جهت تضمین محاکمه‌ی عادلانه و احقاق حق و ستم نرفتن بر آحاد ملت پیش‌بینی کرده است. به منظور رعایت اختصار می‌توان گفت برای تضمین حق محاکمه‌ی عادلانه حقوقی مانند حق دادخواهی و دسترسی به دادگاه‌ها^(۴۷)، منع توقیف یا تبعید خودسرانه^(۴۸)، حق برخورداری از وکیل مدافع^(۴۹)، علنی بودن محاکمات به‌ویژه محاکمات سیاسی و مطبوعات با حضور هیأت منصفه^(۵۰)، اصل قانونی و مستدل بودن جرم و مجازات^(۵۱)، عطف به ماسبق نشدن قانون^(۵۲) و جبران خسارت و اعاده‌ی حیثیت بی‌گناهان^(۵۳) در نظر گرفته شده است.

۷-۳- محترم بودن زندگی خصوصی افراد

یکی دیگر از مشترکات حقوق موضوعه‌ی جمهوری اسلامی و منشور بین‌المللی حقوق بشر این است که زندگی خصوصی افراد باید محترم باشد. اصل ۲۴ قانون اساسی مقرر می‌دارد: «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است، مگر در مواردی که قانون تجویز کند.» و اصل ۲۵ بر ممنوعیت بازرسی و نرساندن نامه‌ها، استراق سمع، سانسور و هر گونه تجسس تأکید دارد.

ماده‌ی ۶۴ قانون مجازات اسلامی، ضمن بیان موارد فوق، مجازات چنین افرادی را شامل انفصال از شغل و مستحق حبس اعلام می‌کند. مفاهیم فوق به شکل محدودتری در ماده‌ی ۱۲ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر و بندهای ۱ و ۲ ماده‌ی ۱۷ میثاق حقوق مدنی و سیاسی آمده است: «احدی در زندگی خصوصی، امور خانوادگی، اقامتگاه یا مکاتبات خود، نباید مورد مداخله‌های خودسرانه واقع شود. هر کس حق دارد در مقابل این‌گونه مداخلات و حملات مورد حمایت قانونی قرار گیرد.»

۸-۳- حق شرکت در اداره‌ی امور عمومی کشور

قانون اساسی و قوانین عادی جمهوری اسلامی ایران بر نقش مردم در اداره‌ی امور کشور و دخالت آنها در تصمیم‌گیری به مباشرت یا به واسطه و نقش مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی تأکید کرده است.

اصل ششم قانون اساسی می‌گوید: «در جمهوری اسلامی ایران، امور کشور باید به اتکای آرای عمومی اداره شود، از راه انتخابات...» مباحث فوق را با بیانی دیگر در بندهای ۱ و ۳ ماده‌ی ۲۱ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر و ماده‌ی ۲۵ میثاق بین‌المللی حقوق بشر می‌بینیم: «هر انسانی عضو اجتماع، حق و امکان خواهد داشت: الف) در اداره‌ی عمومی مستقیماً یا به واسطه‌ی نمایندگان که آزادانه انتخاب شوند، شرکت نماید...».

۹-۳- حق ازدواج و تشکیل خانواده و حقوق مادران و کودکان

در قانون اساسی و منشور بین‌المللی حقوق بشر بر اهمیت خانواده و نقش مهم و بنیادین آن در جامعه تأکید شده و بر لزوم فراهم کردن تسهیلات برای ازدواج تصریح شده است.^(۵۴) اصل ۲۱ قانون اساسی به خصوص در مورد وظایف دولت نسبت به تضمین حقوق زنان و کودکان و ایجاد زمینه‌ی رشد آنها مقررات اجتماعی، قضایی و فرهنگی را بیان می‌دارد و منشور بین‌المللی حقوق بشر به ویژه کنوانسیون حقوق کودک که ایران^(۵۵) آن را تصویب کرده است بر این معانی تأکید می‌کند.

۱۰-۳- حق پناهندگی

پناهندگی به عنوان یک حق از نظر قانون اساسی و منشور بین‌المللی حقوق بشر پذیرفته شده است. بر طبق قانون اساسی، دولت ایران می‌تواند به افراد، پناهندگی سیاسی و اجتماعی بدهد. ایران پناهندگان زیادی را بر طبق کنوانسیون وضعیت پناهندگان مصوب سال ۱۳۵۵ پذیرفته و آنها را مجبور به خروج از کشور نمی‌کند.^(۵۶) در این خصوص بند ۱ ماده‌ی ۱۴ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر می‌گوید: «هرکس حق دارد در برابر تعقیب، پناهمگاهی جست و جو کند و در کشورهای دیگر پناه اختیار کند.»

۴. حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

قانون اساسی و قوانین عادی جمهوری اسلامی ایران دارای مشترکات حقوقی در این عنوان با اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ... است که مهم‌ترین آنها حق برخورداری از آموزش و پرورش به‌ویژه به صورت رایگان در سطح تعلیمات ابتدایی^(۵۷)، حق مالکیت شخصی و اجتماعی^(۵۸) ایجاد امکان اشتغال توسط دولت و داشتن شغل مناسب بدون تبعیض از نظر فرد، ایمنی، بهداشت کار و فرصت ارتقا^(۵۹)، حق رفاه و تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی‌سرپرستی و بیمه‌ی بهداشتی و درمانی^(۶۰) می‌باشد که به‌خاطر اختصار کلام از ذکر جزئیات آنها خودداری می‌نماییم.

۵. حقوق اقلیت‌های غیرمسلمان

اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر به‌طور غیرمستقیم در مواد ۱۸ و ۱۹ به حقوق اقلیت‌ها اشاره و آن را تحت عنوان آزادی فکری، مذهبی، عقیدتی و اجرایی مراسم و تعلیمات دینی مطرح نموده‌است. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز در ماده‌ی ۱۸ به این مفاهیم اشاره کرده‌است.

در کنار اکثریت مسلمان، اقلیت‌های غیرمسلمان متعددی در کشور زندگی می‌کنند که با داشتن تابعیت ایران، از اعضای ملت محسوب می‌شوند و همانند سایر اهالی تابع و تحت حاکمیت قانون واحد می‌باشند و از همه‌ی حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلامی برخوردارند.^(۶۱) با توجه به رسمیت دین اسلام، مذهب شیعه و حکومت دینی طبعاً اقلیت‌های دینی کشور در امور سیاسی و اجتماعی خود، ناگزیر به پیروی از این رسمیت می‌باشند. در نتیجه‌ی این امر، محدودیت‌هایی را برای این اقلیت‌ها به دنبال می‌آورد و اصل حقوقی برابری اهالی را (مانند کشورها با حاکمیت غیرمذهبی) از عمومیت می‌اندازد. با وجود این، قانون اساسی به‌منظور حداکثر حقوق و تثبیت موقعیت اقلیت‌های دینی و غیردینی مقرراتی را بیان داشته‌است.^(۶۲)

۱-۵- حقوق اقلیت‌های دینی

بر اساس قانون اساسی، ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیت‌های دینی شناخته شده‌اند که در حدود قانون^(۶۳) دارای حقوق شناسایی، آزادی انجام مراسم دینی، استقلال در احوال شخصی^(۶۴) (ازدواج، طلاق، ارث و وصیت) و تعلیمات دینی، حق تشکیل^(۶۵)، حق نمایندگی مجلس شورای اسلامی^(۶۶) و حقوق اجتماعی، اداری و استخدامی^(۶۷) می‌باشند.

۲-۵- حقوق اقلیت‌های غیردینی

به موجب اصل چهاردهم قانون اساسی اقلیت‌های غیردینی یا غیر اهل کتاب دارای حقوقی هستند که مهم‌ترین آنها شامل حق برخورداری از اخلاق حسنه، قسط و عدل اسلامی و حقوق انسانی مانند حق حیات و امنیت شؤون مادی و معنوی، حق مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش، تشکیل خانواده، حق اشتغال و کسب درآمد، تأمین اجتماعی، حق دادخواهی و محاکمه‌ی عادلانه می‌شود.

لازم به ذکر است که اقلیت‌های غیردینی حق تشکیل انجمن‌های مسلکی و مکتبی ندارند زیرا فرض بر آن است که این گونه تشکیلات از طریق تبلیغ مبادرت به انتشار افکاری می‌کنند که می‌تواند ناقض موازین اسلام و مذهب رسمی کشور باشد. از نظر منشور بین‌المللی حقوق بشر نیز این محدودیت، قابل توجیه است. زیرا ماده‌ی ۲۱ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی اعلام می‌دارد: «حق تشکیل مجامع به رسمیت شناخته می‌شود، اعمال این حق تابع هیچ‌گونه محدودیتی نمی‌تواند باشد، جز آن چه بر طبق قانون مقرر شده و در یک جامعه‌ی دموکراتیک به مصلحت امنیت ملی یا ایمنی عمومی یا نظم عمومی یا برای حمایت از اخلاق عمومی یا حقوق و آزادی‌های دیگران ضرورت داشته باشد». بنابراین می‌توان گفت چون افکار و عقاید غیر اهل کتاب (که بعضاً الحادی و غیر توحیدی است) مضر به مبانی اسلام و مصالح جامعه‌ی مسلمین و سلامت اخلاق عمومی کشور می‌باشد، پس حق تشکیل ندارند. علاوه بر آن قانون اساسی حدود حقوق اقلیت‌های غیر اهل کتاب را عدم اقدام یا توطئه بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی می‌داند.^(۶۸)

مسئلاً باید مفهوم اقدام و توطئه به وسیله‌ی قوانین عادی جزئی و غیر قابل تفسیر موسع و

بر اساس مقتضیات مکانی و زمانی مشخص تر شود.

۶. محدودیت‌های حقوق و آزادی‌های اساسی

به غیر از آزادی عقیده که در منشور بین‌المللی حقوق بشر و قانون اساسی و قوانین عادی ایران به طور مطلق و بدون هیچ قید و محدودیتی ذکر شده و ظاهراً از اصل ۲۳ قانون اساسی و ماده‌ی ۱۸ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر و بند یک ماده‌ی ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی همین معنا استفاده می‌شود، آزادی‌های دیگر از قبیل آزادی بیان، قلم، اجتماعات، انجمن‌ها، احزاب، گروه‌ها و آزادی شغل، مسکن و ... مطلق و بدون قید و شرط نیست.^(۶۹)

بر اساس بند ۲ ماده‌ی ۲۹ اعلامیه‌ی جهانی و بند ۳ ماده‌ی ۱۸ و ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی، هر کس در اجرای حقوق و استفاده از آزادی‌های خود، فقط تابع محدودیت‌هایی است که به وسیله‌ی قانون، منحصرأ به منظور: ۱) تأمین، شناسایی و مراعات حقوق و آزادی‌های دیگران ۲) رعایت مقتضیات صحیح اخلاقی ۳) نظم عمومی و رفاه همگانی در شرایط یک جامعه‌ی دموکراتیک وضع گردیده‌است. اصول ۲ و ۲۴ و ۲۸ و ۱۷۵ قانون اساسی نیز سه معیار مخالفت با مصالح عمومی یا حقوق عمومی، حقوق دیگران و موازین اسلامی به عنوان محدودیت‌های آزادی‌ها مطرح است. از مقایسه‌ی قانون اساسی و منشور بین‌المللی حقوق بشر می‌توان به این نتیجه رسید که آنها در مورد محدودیت یعنی حقوق و آزادی‌های دیگران و نظم و امنیت و مصالح و حقوق عمومی با یکدیگر اشتراک دارند. قانون اساسی رعایت موازین اسلامی را به آنها اضافه کرده و منشور بین‌المللی حقوق بشر «سلامت و صحت اخلاق عمومی» را افزوده است.^(۷۰) در هر حال این محدودیت‌ها کلی هستند و باید با تدوین قوانین عادی توسط مجلس، حدود و ثغور آنها روشن شود و در حد مقدور در ملاک‌های عینی معلوم گردد تا اختلاف نظرهای داخلی و خارجی را به وحدت قانونی تبدیل نماید.

تفاوت‌های حقوق بشری بین قوانین موضوعه‌ی ایران و منشور بین‌المللی حقوق بشر

الف) تفاوت در مبانی و منابع

مقررات حقوق بشری در قانون اساسی و قوانین عادی ایران با منشور بین‌المللی حقوق

بشر از نظر منابع و مبانی، تفاوت‌هایی دارد. اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر تا حد زیادی نشأت گرفته از اعلامیه‌ی حقوق بشر و شهروند فرانسه (۱۷۸۹) و اعلامیه‌ی حقوق انگلیس (۱۶۸۸) و اعلامیه‌ی مستقل امریکا (۱۷۷۶) و منشور ملل متحد (۱۹۴۵) است^(۷۱) بنابراین منبع اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر، حقوق طبیعی است. حقوقی که بر طبق قانون طبیعت مانند حق حیات، حق آزادی، حق مالکیت و ... به همه‌ی افراد آدمی از هر نژاد، جنس و مذهب تعلق دارد. این حقوق لایتغیر و غیر قابل انتقال است و مشمول مرور زمان نمی‌شود.

مبانی مشروعیت حقوق بشر بین‌المللی، اراده‌ی نمایندگان کشورهای سازمان ملل و کنوانسیون‌های حقوق بشری بر مبنای ملاحظات آزادی فرد، منافع مشترک و متقابل، واقعیت‌های عینی جهان، دستورات عقلی و قراردادی و اعتباری بودن قواعد حقوقی است.^(۷۲) هدف آن ایجاد شرایط لازم برای زندگی اجتماعی در سطح بین‌المللی است. اما بر طبق اصول قانون اساسی، مبانی الزام‌آور حقوق بشر در ایران، حاکمیت الهی است که در حکومت جمهوری اسلامی با انتخاب آزاد و اکثریت قریب باتفاق مردم (در همه‌پرسی) پذیرفته شده‌است و تبعاً ملت ملزم به عواقب و پی‌آمدهای آن یعنی قوانین و مقررات و موازین اسلامی آن می‌باشد.

جمهوری اسلامی ایران نظامی بر پایه‌ی ایمان به اصول پنجگانه‌ی دین، کرامت، ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسؤولیت و در برابر خداست. منابع مقررات حقوق بشری قانون اساسی و قوانین عادی، همان منابع حقوق اسلامی یعنی منابع اصلی شامل قرآن، سنت، عقل و منابع فرعی شامل اجماع، شهرت، سیره‌ی اهل شرع، بنای عقلا و عرف است. بر چنین پایه‌ی، رسالت قانون اساسی این است که زمینه‌های اعتقادی نهضت را عینیت بخشد و شرایطی را به وجود آورد که در آن انسان با ارزش‌های والا و جهانشمول اسلامی پرورش یابد. بنابراین برخلاف حکومت‌های لایبک، حفظ نظام توحیدی و مذهب الهی برایش یک اصل ارزشی است. حداقل همان گونه که مثلاً دولت فرانسه حق مشروع خود می‌داند با اعمال رفتارهایی که ممکن است به اصل لایبک حکومت لطمه وارد آورد، مقابله کند، پس چون دین اکثریت عظیم مردم ایران اسلام است و جمهوری اسلامی ایران را برگزیده‌اند، نظام حق دارد ارکان حکومت و قوانین جاری در کشور را بر اساس فقه اسلامی تنظیم و اجرا و از تبلیغ علیه مذهب رسمی و اعمال خلاف اخلاق عمومی جلوگیری کند. مشاغل اصلی و کلیدی حکومت (مانند رهبری،

رئیس جمهوری و نمایندگی مجلس) در دست کسانی باشد که به این دین معتقد بوده و مبنای بودن آن را برای حکومت قبول دارند. این مانند آن است که در برخی کشورها شرط احراز برخی مشاغل، لاییک بودن و عدم وابستگی به مذهب خاص است. چنان‌که طبق اصول ۷۵ و ۱۰۸ قانون اساسی سوییس شرط ممنوعیت در مجلس ملی و دادگاه فدرال، لاییک بودن است. (۷۳)

ب) تفاوت در مواد قانونی

مسلماً بین قوانین و مقررات حقوق بشری در قانون اساسی و قوانین عادی جمهوری اسلامی ایران با منشور بین‌المللی حقوق بشر تفاوت‌هایی وجود دارد. نظر به این که مبنای مقاله بر اختصار است، قصد نداریم موارد تفاوت و تغایر بین دو نظام حقوقی را کاملاً با هم مقایسه نموده و جزء به جزء مشخص کنیم، بلکه با توجه به موارد و مواد قانونی یاد شده به طور کلی مقایسه‌ی انجام می‌شود و تفاوت‌های کلی بیان می‌گردد.

۱. حق حیات

حق حیات را می‌توان منشأ حقوق بشری دانست زیرا حقوق دیگر فرع بر این اصل است. منشور بین‌المللی حقوق بشر، حق حیات را مطلق ندانسته و برای جرایم سنگین مجاز شمرده است. قوانین موضوعه‌ی ایران، قتل عمدی را مستوجب قصاص می‌داند. اما با توجه به مصالحی قتل عمدی اولاد و دیوانه را توسط مرد موجب قصاص نمی‌داند و قصاص مرد قاتل زن را به پرداخت نصف دیه‌ی مرد به بستگان قاتل مشروط کرده است.

۲. حقوق اجتماعی و اقتصادی

۱-۲- منع مجازات‌های خشن و تحقیرکننده

اگر چه قانون اساسی و قوانین موضوعه‌ی منشور بین‌المللی حقوق بشر، شکنجه را ممنوع کرده است ولی در قوانین مجازات ایران در بعضی از جرایم، مجازات‌های بدنی را مانند شلاق، قطع دست، رجم و قطع اعضای بدن به عنوان قصاص مجرم مقرر داشته است. شاید بتوان در توضیح این نوع مجازات، تأثیر آنها را در جلوگیری و پیشگیری از جرایم بزرگ عمومی بر ضد فرد و جامعه براساس ترس و رعایت مصالح و اخلاق عمومی یادآور شد. مثلاً مجازات شلاق

برای زناکار مسلماً تا حدود زیادی باعث پاکی نسل و تحکیم بنیاد خانواده و ازدواج می‌شود.

۲-۲- تساوی افراد در برابر قانون و منع تبعیض

قانون اساسی در بند ۱۴ اصل سوم و اصل ۲۰، بر تساوی عموم در برابر قانون اعم از زن و مرد تأکید دارد اما در مواردی بین مرد و زن، مسلمان و غیرمسلمان در قانون مجازات اسلامی و قانون مدنی اختلاف وجود دارد که شایبه‌ی تبعیض و عدم تساوی حداقل با مفهوم و تلقی اسناد بین‌المللی حقوق بشری دیده می‌شود.

مهم‌ترین تفاوت‌های حقوقی مرد و زن که به نظر می‌رسد مرد حقوق بیشتری نسبت به زن دارد شامل مسؤولیت کیفری، حق ازدواج، سهم الارث اولاد، نکاح زن ایرانی با غیر ایرانی، شهادت، قصاص و دیات، آزادی در انتخاب شغل و تساوی در احراز مشاغل عمومی می‌شود. همان‌طور که گفته شد در قوانین موضوعه‌ی ایران، تفاوت‌های حقوقی بین مسلمان و غیرمسلمان دیده می‌شود. این تفاوت‌ها در زمینه‌ی: ازدواج مسلمان با غیرمسلمان، ارث مسلمان از غیرمسلمان، شرط مسلمانی برای احراز برخی مشاغل مانند قضاوت، عدم استخدام غیرمسلمان غیراقلیت رسمی در بعضی مشاغل است.

در قوانین موضوعه‌ی ایران، برخی تفاوت‌های حقوقی بین زوجین وجود دارد که برای زوج حقوق بیشتری نسبت به زوجه قایل شده است از جمله می‌توان به موضوع تعدد زوجات، طلاق، فسخ نکاح، ریاست خانواده، سهم الارث زوجین از یکدیگر، تابعیت، حضانت (نگهداری فرزندان)، اداره‌ی امور مالی فرزند و سهم الارث زوجین از فرزند، آزادی در عبور و مرور و انتخاب مسکن اشاره کرد.

ناگفته نماند که کلیه‌ی تفاوت‌های فوق دارای مستندات قانونی در قوانین موضوعه‌ی جمهوری اسلامی ایران و منشور بین‌المللی حقوق بشر است که بنا بر اختصار مقاله، از ذکر آنها خودداری شده است.

۲-۳- آزادی تغییر مذهب و عقیده

ماده‌ی ۱۸ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر و ماده‌ی ۱۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی حق آزادی فکر، وجدان، مذهب و عقیده را شامل تغییر و ابراز آن می‌داند. قوانین

موضوعه‌ی ایران به‌ویژه قانون اساسی بر آزادی‌های مختلف به‌ویژه آزادی عقیده و بیان تأکید دارد. اصول ۲۳ و ۲۴ مقرر می‌دارند: «تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ‌کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ی مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد. نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند، مگر آن که مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشند. مسلماً این آزادی‌ها دارای منابعی از قرآن و روایات هستند^(۷۴) که به‌طور کلی بر آزاداندیشی دینی و میدان دادن به فکر و اندیشه‌ی انسانی برای تحقیق و بررسی در عقاید دینی و با استدلال و برهان در فضایی آزاد به عقیده‌ی دینی صحیح رسیدن، تأکید دارد.

قانون اساسی و قوانین عادی در مورد مجوز تغییر مذهب ساکت است و فقط در ماده‌ی ۲۶ قانون مطبوعات مصوب سال ۱۳۶۴ اشاره به بیان تغییر مذهب شده است؛ «هرکس به‌وسیله‌ی مطبوعات به دین مبین اسلام و مقدسات آن اهانت کند، در صورتی که به ارتداد منجر شود حکم ارتداد در حق او صادر و اجرا و اگر به ارتداد نینجامد، طبق نظر حاکم شرع براساس قانون تعزیرات با وی رفتار خواهد شد.»

لازم به ذکر است در هیچ یک از قوانین کیفری و قانون مجازات اسلامی برای ارتداد مجازاتی در نظر گرفته نشده است و قاضی باید بر طبق اصل ۱۶۷ قانون اساسی با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتوای معتبر، حکم قضیه را صادر نماید.

گروهی می‌گویند این احتمال وجود دارد که ارتداد صرفاً وقتی عنوان اقدام عملی علیه نظام حکومت اسلامی را به خود بگیرد، دارای مجازات است. آن‌گونه که در صدر اسلام از اهل رده سر می‌زد و مسلمانان با آنها جنگیدند. یا به‌طوری که قانون اساسی در ذیل ماده‌ی ۱۴ شرط برخورداری اقلیت‌های غیردینی را از حقوق انسانی و اخلاق نیکو و قسط و عدل اسلامی، عدم اقدام و توطئه بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران ذکر می‌کند.^(۷۵)

در دوران ائمه افرادی مانند ابن‌ابی‌العوجا منحرف و ملحد، به امام صادق (ع) اشکالات متعدد می‌کرد و حضرت هم در نشست‌های مکرر پاسخ می‌دادند و نیز اشکالاتی که همه‌ی منحرفان و مشرکان در مسجد رسول خدا در ستونی که برای کسانی که به عنوان اریه‌ی شبهه خدمت پیامبر (ص) می‌رسیدند، معین کرده بود. در همین زمینه مطرح می‌کردند و حضرت پاسخ می‌دادند. کتاب‌هایی که به نام احتجاج نوشته شده در مقام پاسخگویی با دلیل و منطقی مقرون شده

تا از شیوه‌ی دیگری استفاده نکنند.^(۷۶) در هر صورت، مسأله‌ی ارتداد جزو مسایلی است که روشن نیست و لازم است تحقیقات کارشناسی پیرامون آن به عمل آید که آیا مطلق مرتد کشته می‌شود یا مرتدی که برای تشویق اذهان و عناد با اسلام همراه با اقدام و تبلیغ عملی مرتد می‌شود باید کشته شود؟^(۷۷)

به‌طور کلی جمهوری اسلامی ایران باید اشتراکات حقوق بشری بین قوانین موضوعه‌ی جمهوری اسلامی ایران و منشور بین‌المللی حقوق بشر که بسیار زیاد هستند کاملاً برای کمیسیون حقوق بشر و کمیته‌ی سوم مشخص کند و ضمن اعلام آنها به دبیرکل، در سازمان ملل متحد و نهادهای وابسته به آن، آنها را مستنداً بیان کند و فعالیت‌های نهادهای حقوق بشری جمهوری اسلامی را بر مبنای آنها اصلاح و تداوم بخشد. مسلماً اقدام‌های حقوق بشری داخلی همراه با دیپلماسی خارجی می‌تواند بر مواضع نهادهای بین‌المللی حقوق بشر در سازمان ملل متحد علیه ایران، بیش از پیش تأثیر گذارد. چنان که این تأثیر را در تغییر لحن و متن قطعنامه‌های کمیسیون حقوق بشر در سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۰ به نفع جمهوری اسلامی ایران در مقایسه با قطعنامه‌های قبلی می‌بینیم.

همان‌طور که گفته شد جمهوری اسلامی ایران باید تفاوت‌های حقوق بشری قوانین موضوعه‌ی خود را با منشور بین‌المللی حقوق بشر به اطلاع دبیرکل سازمان ملل برساند و نسبت به آنها رد یا خروج جزئی از معاهدات مزبور اتخاذ نماید. به‌طور کلی این تفاوت‌ها به سه دسته تقسیم می‌شوند:

الف. قوانین و مقررات موضوعه‌ی حکومتی: این مقررات هر چند مغایر موازین اسلامی نیست ولی الزاماً بر مبنای احکام اسلامی تصویب نشده است مثلاً مقررات مربوط به تابعیت. به‌طوری که درخصوص این‌گونه قوانین پس از بررسی کارشناسانه اگر واقعاً تشخیص داده شد مقررات کنوانسیون‌های بین‌المللی حقوق بشر مفیدتر و منطبق‌تر با تعهدات بین‌المللی ایران و مصلحت جامعه و رعایت حقوق شهروندان است، می‌توان آنها را اصلاح کرد و مشکلی هم به‌وجود نمی‌آورد.

ب. قوانین مبتنی بر احکام انعطاف‌پذیر شرعی: بسیاری از مقررات و قوانین جاری کشور بر مبنای احکام فقهی و فتاوی رایج فقها به عنوان احکام شرعی تنظیم شده است. ولی تجدیدنظر

و اصلاح و تغییر آنها در صورتی که لازم و مصلحت باشد مغایرت و مخالفت با مسلمات شرعی تلقی نمی‌شود، بلکه می‌توان نظرات متفاوت فقهای دیگر را نیز منطبق بر مقتضیات زمان و مکان به دست آورد و برطبق آنها قانون وضع کرد و یا طبع بیان حکم به گونه‌ی است که می‌توان مقطعی بودن و قابلیت انعطاف آن را استنباط کرد. برخی از مسایل مربوط به حضانت، سرپرستی، قضاوت، طلاق و ارث از این قبیل هستند. مثلاً آن دسته از مجازات‌های بدنی هم که نظر شارع بر شمول و دوام آنها نبوده و با تغییر مقتضیات زمان و مکان قابل تبدیل به مجازات‌های دیگر است یا به مقتضای مصلحت بانظر کارشناسی مجمع تشخیص مصلحت نظام، اعمال آنها را موقوف کرده و می‌توان مجازات‌های دیگری از قبیل، محرومیت از بعضی حقوق اجتماعی، زندان، جریمه‌ی نقدی، تبعید و... به جای آنها تعیین کرد.^(۷۸)

به‌طور کلی اگر احکام اسلامی را از دیدگاه فقه حکومتی در نظر بگیریم باید سه عنصر زمان، مکان و مصلحت را وارد فقه نماییم. حضرت امام خمینی (ره) در اقدامی شجاعانه تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام را ضروری دانست و درک و کشف مصالح جامعه را برعهده‌ی کارشناسان آن مجمع گذاشت.^(۷۹) این مجمع تاکنون بنابر مصلحت جامعه، قوانینی مانند قانون حق کسب و پیشه و سرفظلی موضوع ماده‌ی ۱۹ قانون روابط موجر و مستأجر (۱۳۵۶) و قانون اخذ بهره و خسارت تأدیه‌ی وام‌ها توسط بانک‌ها را که از سوی شورای نگهبان رد شده بود و با ظاهر فتاوی مراجع مغایر است، تصویب کرده است. به نظر می‌رسد این مجمع باید قوانین جزایی و مقررات کیفری که این همه مورد بحث سازمان‌های داخلی و بین‌المللی حقوق بشری است مورد بازنگری کارشناسانه قرار دهد و تغییراتی را که شرعاً مجاز است بر مبنای مصلحت و مفسده‌ی جامعه در آنها به وجود آورد.^(۸۰)

امام خمینی (ره) با تبیین گستره‌ی اختیارات ولایت فقیه و مقدم کردن احکام حکومتی و حفظ مصالح بر احکام اولیه، مصالح و مفاسد در احکام اجتماعی اسلام را قابل توجه فقیهان دانست. بنابراین در فقه عمومی برای استنباط احکام شرعی علاوه بر ادله‌ی چهارگانه، مصالح و مفاسد جامعه را هم باید در نظر گرفت و این همان فقه حکومتی است.^(۸۱)

ج. قوانین مبتنی بر احکام مسلمة‌ی شرعی: واضح است که برخی از احکام فقهی و مقررات اجتماعی اسلام، همیشگی و غیرقابل تغییر و بعضی از قوانین موضوعه‌ی جمهوری

اسلامی ایران نیز مبتنی بر این احکام است. از آنجا که مقررات و قوانین اسلام براساس فلسفه و حکمت و عدالت قابل فهم برای مردم است، در این خصوص واقعاً باید احکام قطعی و ثابت اسلامی را دقیقاً و مستنداً و مستنداً مشخص نمود و در نحوه‌ی تدوین آنها به تعهدات ایران به کنوانسیون‌های بین‌المللی حقوق بشر نیز عنایت داشته و از کلی‌گویی که می‌تواند در اجرا و عمل، تفسیرهای بسیار متفاوت داشته باشد و نتیجتاً مردم را در ابهام نسبت به حقوق و تکالیف خود قرار دهد، پرهیز کرد. سپس این مقررات و قوانین را با بیان علمی و منطقی جامعه‌شناسانه و روانشناسانه و با اتکا بر آمار و ارقام و تجربیات به دست آمده، محاسن و سودمندیشان را برای جامعه‌ی داخلی و بین‌المللی بیان و تشریح کرد.^(۸۲) ناگفته نماند اکنون در بعضی نهادهای علمی و اجرایی جمهوری اسلامی ایران اقدام‌های کارشناسی در حال انجام است که امیدواریم نتایج آن اعلام شود. اخیراً نیز در ملاقات رییس قوه‌ی قضاییه و رییس قوه‌ی مقننه، مقرر شد کمیته‌یی بررسی اصلاح قوانین موضوعه‌ی گذشته را بر عهده بگیرد و نظرات کارشناسی خود را درباره‌ی آنها و لوایح و طرح‌ها قبل از تصویب در مجلس مطرح نماید.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

یادداشت‌ها

۱. دومینیک کارو و دیگران، مباحثی از حقوق بین‌الملل اقتصادی، ترجمه: امامی تلامی، (تهران: انتشارات واحد امور اقتصادی و بین‌المللی وزارت امور اقتصاد و دارایی، ۱۳۶۷)، ص ۴۵.
۲. حسین شریفی طرازکوهی، حقوق بشر در پرتو تحولات بین‌المللی، (تهران: نشر دادگستر، ۱۳۷۷)، صص ۱۳-۱۲.
3. Oscar Schachter *International Law in the Theory and Practice*, (R.D.C, 1995), Vol. 176. P.328.
۴. حسین مهرپور، نظام بین‌المللی حقوق بشر، (تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۷)، ص ۳۲.
۵. بند ۳ ماده‌ی یک، مواد ۵۵ و ۵۶ و بندهای ۱ و ۲ ماده‌ی ۶۲ و ماده‌ی ۶۸ و ۷۶ منشور ملل متحد، حقوق بشر و ارتقای آن را مطرح کرده است.
6. Tomas Buergenthal: "*International Human Rights in a Nutshell*", Second Edition, (West Publishing Co, 1995), P.28.
۷. حسین مهرپور، نظام بین‌المللی حقوق بشر، (تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۷)، ص ۳۵.
8. Boutros Boutros Ghali: Secretary General of UN. *The U.N and Human Rights*. 1945-1995 (NewYork: DPI of U.N. 1995), PP.3-4.
۹. حسین، مهرپور، «همان»، ص ۳۳.
۱۰. مایکل آکهرست، حقوق بین‌الملل نوین، ترجمه‌ی: مهرداد سیدی، (تهران: دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۳)، ص ۲۱.
11. Boutros, Ghali. "*An Agenda for Peace*", (U.N, 1992), P. 10.
12. Pease Kelly, "*Human Rights and World Politics*", *Human Rights Quarterly*, (May 1993), P.308.
۱۳. سعید، میرزایی ینگجه، «تحول مفهوم حاکمیت در سازمان ملل متحد»، (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۳)، صص ۶۶-۷۰.
۱۴. کوفی عنان، «بردباری: آرمان‌رفتاری تمام فرهنگ‌ها»، سخنرانی کوفی عنان در دانشگاه تهران، روزنامه‌ی ایران، ۳ دی ۷۶، ص ۶.
۱۵. مهرداد کیایی، مسأله‌ی حقوق بشر و جمهوری اسلامی ایران، رساله‌ی ارتقای مقام به دبیر دومی، (تهران: وزارت امور

- خارجه، (۱۳۷۵)، صص ۱۵-۱۰.
۱۶. حسین مهرپور، نهضت عدم تعهد و مسأله حقوق بشر، روزنامه‌ی اطلاعات، چهارشنبه ۲۵ خرداد ۱۳۷۳، صص ۱۲.
۱۷. حسین مهرپور، نظام بین‌المللی حقوق بشر، صص ۴۱۶-۴۰۹.
۱۸. همان، صص ۴۱۴.
۱۹. هوشنگ مقتدر، حقوق بین‌الملل عمومی، (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۲)، صص ۳۸-۳۷.
۲۰. اصل چهارم قانون اساسی می‌گوید: کلیه‌ی قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید براساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم بر همه‌ی اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر (فعلی و قبلی) حاکم است و تشخیص این امر بر عهده‌ی فقهای شورای نگهبان است.
۲۱. رضا موسی‌زاده، کلیات حقوق بین‌الملل عمومی، جلد اول، (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۶)، صص ۲۱۷-۲۱۶.
۲۲. پرویز، ذوالعین، کلیات حقوق بین‌الملل عمومی، (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۶)، صص ۵۹۰.
۲۳. هوشنگ مقتدر، «همان»، صص ۳۸.
۲۴. «همان»، صص ۳۰۰.
۲۵. محمدرضا ضیایی بیگدلی، حقوق بین‌الملل عمومی، (تهران: رشدیه، ۱۳۶۸)، صص ۹۵-۹۳.
۲۶. حسین مهرپور، «همان»، صص ۴۲۰.
۲۷. یا ایها الناس اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفس واحده و... (نساء ۱۰)
۲۸. محمدجواد حجتی کرمانی، نگاهی به پیوست‌ها و گسست‌های حقوق بشر اسلامی و غربی، سخنرانی و مقاله به سمینار اسلام و حقوق بشر، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، مورخ ۱۰ آبان ۷۷، صص ۳-۲.
۲۹. سیدجلال‌الدین مدنی، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران، (تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۱)، صص ۳۵.
۳۰. محمدجواد حجتی کرمانی، «همان»، صص ۵.
۳۱. كلما حکم به الشرع حکم به‌العقل و كلما حکم به‌العقل حکم به الشرع.
۳۲. لقد کرمانا بنی آدم و حملنا هم فی البر و البحر و... (اسراء ۷۰)
۳۳. محمدجواد حجتی کرمانی، «همان»، صص ۷.
۳۴. حسین مهرپور، حقوق بشر در اسناد بین‌المللی و موضوع جمهوری اسلامی ایران، (تهران: انتشارات

اطلاعات، ۱۳۷۴)، ص ۳۸.

۳۵. (یا ایها الذین آمنوا، كونوا قوامین بالقسط...) (واذقلتم فاعدلوا و لو كان ذاقربین...) (و لایجرمنکم شننان قوم علی

ان لاتعدلوا...) (لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و... ليقوم الناس بالقسط...)

۳۶. اصل دوم قانون اساسی.

۳۷. اصل ۱۹، بند ۹ و ۱۴ اصل ۳.

۳۸. بند یک ماده‌ی ۱۴ و ماده‌ی ۲۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی.

۳۹. مواد ۱۰۰۷، ۱۰۴۱، ۱۰۳۵، ۱۳۱۰، ۱۱۱۸، ۱۰۸۲، ۱۲۱۰ قانون مدنی و ماده‌ی ۲۸ قانون کار مصوب ۲۹ آبان ۶۹.

۴۰. اصل ۹، بند ۲ اصل ۱۵۶، بند ۱۷ اصل ۳ و اصل ۸ قانون اساسی.

۴۱. اصول ۲۴ و ۱۷۵ قانون اساسی.

۴۲. حسین مهرپور، قانون اساسی و آزادی‌های سیاسی، روزنامه‌ی اطلاعات، مورخ ۱۹ اردیبهشت ۷۸، ص ۶.

۴۳. اصول ۲۵ و ۹ و ۱۵۶ و ۱۶۸ قانون اساسی و ماده‌ی ۱۲ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر و بندهای ۱ و ۲ ماده‌ی ۱۷

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و مواد ۵۷ و ۵۷۵ قانون مجازات اسلامی.

۴۴. اصول ۴۱ و ۴۲ قانون اساسی و مواد ۹۷۶ تا ۹۹۱ قانون مدنی و بندهای ۱ و ۲ ماده‌ی ۱۵ اعلامیه‌ی جهانی

حقوق بشر و بند ۳ ماده‌ی ۲۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی.

۴۵. اصل ۳۷ قانون اساسی، ماده‌ی ۳۵۶ آیین دادرسی مدنی، ماده‌ی ۱۱ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر و بند یک ماده‌ی

۹ و بند ۲ ماده‌ی ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی.

۴۶. اصول ۳۸ و ۳۹ قانون اساسی، ماده‌ی ۵۷۸ قانون مجازات اسلامی، ماده‌ی ۱۷۶ آیین‌نامه‌ی سازمان زندان‌ها و

اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، ماده‌ی ۵ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر و ماده‌ی ۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی

و سیاسی.

۴۷. اصول ۳۴، ۱۷۳، ماده‌ی ۹۰ اعلامیه‌ی جهانی، بند یک ماده‌ی ۱۴ و بند ۴ ماده‌ی ۹ میثاق.

۴۸. اصول ۳۲، ۳۳ قانون اساسی، مواد ۷۱ و ۵۳ قانون تعزیرات مصوب سال ۱۳۶۲، مواد ۹ و ۱۳ اعلامیه‌ی جهانی و

بندهای ۱ تا ۳ ماده‌ی ۱۰ میثاق.

۴۹. اصل ۳۵ قانون اساسی، ماده‌ی ۳۱۴ و تبصره‌ی ماده‌ی ۱۱۲ قانون آیین دادرسی کیفری و ماده‌ی ۷ آیین‌نامه‌ی

دادگاه‌ها و دادرهای انقلاب مصوب ۱۳۶۸، ماده‌ی واحده‌ی مصوب ۱۳۷۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام،

بند یک ماده‌ی ۱۱ اعلامیه‌ی جهانی، بند ۳ ماده‌ی ۱۴ میثاق.

۵۰. اصل ۱۶۵ قانون اساسی، تبصره‌ی ۲ ماده‌ی ۹ آیین‌نامه‌ی دادگاه‌ها و دادرهای انقلاب، ماده‌ی ۳۲۷ آیین دادرسی کیفری و ماده‌ی ۱۳۶ قانون آیین دادرسی مدنی، ماده‌ی ۱۰ اعلامیه‌ی جهانی و ماده‌ی ۱۴ میثاق.
۵۱. اصول ۳۶، ۱۳۶ قانون اساسی، ماده‌ی ۲ قانون مجازات اسلامی، مضمون مواد ۷ تا ۱۱ اعلامیه‌ی جهانی، ماده‌ی ۱۴ میثاق.
۵۲. اصل ۱۶۹ قانون اساسی، ماده‌ی ۴ قانون مدنی، ماده‌ی ۱۱ قانون مجازات اسلامی، مفاد ماده‌ی ۱۱ بند ۲ اعلامیه‌ی جهانی، بندهای ۱ و ۲ ماده‌ی ۱۵ و بند ماده‌ی ۱۵ میثاق.
۵۳. اصل ۱۷۱ قانون اساسی، ماده‌ی ۵۸ قانون مجازات اسلامی، مضمون مواد ۷ تا ۱۱ اعلامیه‌ی جهانی، بند ۶ ماده‌ی ۱۴ و بند ۵ ماده‌ی ۹ میثاق.
۵۴. بند ۸ اصل ۳، اصول ۶، ۷، ۵۸، ۶۲، ۱۰۰، ۱۰۴، قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی ۱۳۶۲ و قانون انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۶۴ و قانون همه پرسى ۱۳۶۸.
۵۵. اصل ۱۰ قانون اساسی، بندهای ۱ تا ۳ ماده‌ی ۱۶ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر، ماده‌ی ۲۳ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده‌ی ۱۰ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.
۵۶. بند ۲ ماده‌ی ۲۵ اعلامیه‌ی جهانی، ماده‌ی ۲۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، بندهای ۲ و ۳ ماده‌ی ۱۰ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، مواد پنجاه و چهارگانه‌ی کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک مصوب سال ۱۳۷۲ مجلس شورای اسلامی.
۵۷. اصول ۱۵۵ و ۳۳ قانون اساسی، بند یک و دو ماده‌ی ۱۴ اعلامیه‌ی جهانی و ماده‌ی ۲۳ کنوانسیون وضعیت پناهندگان مصوب ۱۹۵۱ و پروتکل مربوط به آن.
۵۸. بند ۳ اصل ۳، اصل ۳۰، بند ۴ اصل ۳ قانون اساسی، ماده ۲۶ اعلامیه‌ی جهانی، بند ۱ تا ۳ ماده‌ی ۱۳ و ماده‌ی ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.
۵۹. اصول ۲۲، ۴۴ و ۴۶ قانون اساسی، مواد ۱۱ تا ۹۵۵ قانون مدنی، بند ۱ و ۲ ماده‌ی ۱۷ اعلامیه‌ی جهانی، قسمت ج بند ۱ ماده‌ی ۱۵ و ماده‌ی ۲۵ و بند دو ماده‌ی ۲ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.
۶۰. اصل ۲۸، بند ۲ و ۵ اصل ۴۳ قانون اساسی، لایحه بیکاری ۱۳۶۵، لایحه قانون کار ۱۳۴۶ و ۱۳۶۹، بندهای ۱ و ۳ ماده‌ی ۲۳ اعلامیه‌ی جهانی، ماده‌ی ۶ و ۷ و ۸ و ۱۰ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی، مقاله‌نامه‌های ۲۹ و ۱۰۵ لغو کار اجباری ۱۳۳۵ و ۱۳۳۷.
۶۱. بند ۱۲ اصل ۳، اصل ۲۹ و ۳۱، بند یک و ۳ اصل ۴۳ قانون اساسی مواد ۲۲ و ۲۵ اعلامیه‌ی جهانی، ماده‌ی ۹ و ۱۱ و

۱۲. میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.
۶۲. اصل ۱۹ و ۲۰ قانون اساسی.
۶۳. سیدمحمد هاشمی، "حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران"، (تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۴)، ص ۱۴۶.
۶۴. اصل ۱۳ قانون اساسی.
۶۵. قانون رعایت احوال شخصیه‌ی ایرانیان غیر شیعه در محاکم ۱۳۶۲.
۶۶. اصل ۲۶ قانون اساسی، ماده‌ی ۴ قانون احزاب، ۱۳۶۰.
۶۷. اصل ۶۴ قانون اساسی.
۶۸. بند ۱۴ اصل ۳ قانون اساسی.
۶۹. سیدمحمد، هاشمی، "همان"، ص ص ۱۶۶-۱۶۲.
۷۰. حسین، مهرپور، "قانون اساسی و آزادی‌های سیاسی"، روزنامه‌ی ایران، ۱۹ اردیبهشت ۷۸، ص ۶.
۷۱. حسین، مهرپور، "اسلام و حقوق بشر"، فصلنامه‌ی سیاست خارجی، سال دهم، شماره‌ی ۱۰، (بهار ۱۳۷۵)، ص ۵۴۰.
۷۲. "فلسفه‌ی حقوقی"، مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، (قم: مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۶)، ص ۷۶.
۷۳. حسین، مهرپور، "حقوق بشر در اسناد بین‌المللی و موضع جمهوری اسلامی ایران"، ص ۱۴۴.
۷۴. حسین مهرپور، "همان"، ص ۳۲۳.
۷۵. ادع الی سبیل ربک بالحکمة و الموعظة الحسنة و جادلهم بالتی هی احسن (نخل ۱۲۵). لا اکره فی الدین قد تبین الرشد من الغی (بقره ۲۵۶)
۷۶. آیت‌الله جناتی، با برهان و دلیل در برابر پرسش‌ها باید پاسخگو بود نه با برجسب ارتداد، روزنامه‌ی صبح امروز، ۷ مرداد ۷۸، ص ۲.
۷۷. آیت‌الله معرفت، روزنامه‌ی اطلاعات، ۱۷ آبان ۷۶، ص ۷.
۷۸. حسین، مهرپور، "همان"، ص ۲۷۷.
۷۹. حسین، مهرپور، "مجموعه نظریات شورای نگهبان"، جلد ۱، (تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۰)، ص ۳۰۱.
۸۰. حسین، مهرپور، "همان"، جلد ۳، ص ص ۲۰۱-۱۹۳.
۸۱. ابوالقاسم، گرجی، "فقه حکومتی و چارچوب مصلحت"، روزنامه‌ی صبح امروز، شنبه ۶ آذر ۱۳۷۸، ص ۶.
۸۲. حسین مهرپور، حقوق بشر در اسناد بین‌المللی و موضع جمهوری اسلامی ایران، ص ۱۴۵.



پښتونستان کالوون انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی